The Analysis of the Legislative Discourse on Criminal Intervention in the Conflict of Interest Situations

Mohammad Asadi[1], Mahamood Saber[2], Asadolah Masoudi Magham[3]
1. PhD. student in Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran mohamad.asadi91@yahoo.com
2. Assistant Professor, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author) m.saber@modares.ac.ir
3. PhD. in Criminal Law and Criminology and the judge of the special complex of economic crimes in Tehran, masudialireza68@gmail.com

Date Received 2021/10/11
Date of correction 2022/2/14
Date of Release 2022/03/08

Abstract

Corruption prevention always faces serious challenges in the legislative, judicial, and executive areas. The intervention of the criminal justice system has often been focused on the behavior of blue-collar citizens. On the other hand, the ideological approach toward the economy and economic crimes has resulted in the dominance of retrospective and punitive mechanisms, and this lot of posterior intervention has been focused more on corruption in the public sector while, following the government's downsizing policies, a significant part of the economy has been privatized. This study aims to analyze the existing regulations on the conflict of interest, as the main cause of corruption. It also examines the necessity of criminalizing conflict of interest as an independent and stand-alone crime. Conflict of interest refers to a situation in which a person with public authority status has secondary interests that conflict with their public duties. Hence, by examining the laws related to conflict of interest crimes as well as the principles related to criminalization, the status of conflict of interest in the Iranian legal system has been evaluated and the necessity of criminal intervention has been investigated. The present study applied a descriptive-analytical approach to examine the field of anti-corruption regulations using library sources. The findings of this study indicate that, since conflict of interest has not been recognized as an independent crime by the legislature, there is a weakness in the existing legislative interventions regarding corruption prevention, especially with respect to conflict of interest cases. Therefore, this study proposes recognition of conflict of interest as an independent and stand-alone crime.

Key words: conflict of interest, legislative discourse, private sector, corruption, stand-alone crime

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

فصلنامه حقوق اداری
سال نهم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۳۱
مقاله علمی پژوهشی

تحلیل گفتمان تقنینی مداخلهٔ کیفری در وضعیت تعارض منافع[۱]

محمد اسدی،[۲] محمود صابر،[۳] اسدالله مسعودی‌مقام[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹
تایخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

چکیده

مقابله با فساد همواره با چالش‌های جدی جهت مداخله در حوزه‌های تقنین، قضا و اجرا مواجه است. اغلب، تمرکز مداخله نظام عدالت کیفری بر رفتار شهروندان یقه‌آبی متمرکز بوده است. از طرفی رویکرد ایدئولوژیک به مقولهٔ اقتصاد و جرائم این حوزه منتج به غلبهٔ سازوکارهای گذشته‌نگر و سزاگرا گردیده و این مقدار از مداخله پسینی نیز بیشتر درخصوص فساد در بخش دولتی صورت پذیرفته است. این در حالی است که پیرو سیاست‌های کوچک‌کردن دولت، قسمت قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد به بخش خصوصی واگذار شده است. پژوهش حاضر با هدف تجزیه و تحلیل مقررات موجود؛ مربوط به وضعیت تعارض منافع؛ به‌عنوان علت اصلی فساد و همچنین بررسی لزوم جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع به‌عنوان جرمی مانع و مستقل، صورت گرفته است. وضعیت تعارض منافع به شرایطی اطلاق می‌گردد که فردی با اختیارات عمومی، همزمان دارای منافع ثانویه، در تعارض با وظایف عمومی خود باشد. لذا با بررسی قوانین مرتبط با جرائم ناشی از وضعیت تعارض منافع و همچنین اصول مربوط به جرم‌انگاری، وضعیت تعارض منافع در نظام حقوقی ایران مورد ارزیابی قرار گرفته و ضرورت مداخلهٔ کیفری در آن بررسی گردیده است. تحقیق حاضر با به‌کارگیری ابزار کتابخانه‌ای و به روش توصیفی–تحلیلی، به بررسی حوزه مقررات مقابله با فساد پرداخته است. یافته‌های این پژوهش بیان‌گر ضعف مداخله‌های تقنینی موجود در حوزهٔ مقابله با فساد و به‌ویژه وضعیت تعارض منافع، به‌جهت عدم به رسمیت شناختن وضعیت مذکور توسط قانون‌گذار به‌صورت مستقل، می‌باشد. لذا جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع به‌عنوان جرمی مانع، را پیشنهاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: تعارض منافع، گفتمان تقنینی، بخش خصوصی، فساد، جرم مانع

---

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری با عنوان مداخله نظام عدالت کیفری در قلمرو تعارض منافع به راهنمایی دکتر محمود صابر و مشاوره دکتر اسدالله مسعودی مقام توسط دانشجو محمد اسدی در دانشگاه تربیت مدرس تهران می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
mohamad.asadi91@yahoo.com
۳. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m.saber@modares.ac.ir
۴. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و قاضی مجتمع ویژه جرائم اقتصادی تهران
masudialireza68@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

مقدّمه

فلسفهٔ وجودی دولت‌ها به تعبیر ویلیامز و مک شین، خدمت به مردم و تأمین نیازهای ایشان می‌باشد (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۷). از جمله مهم‌ترین نیازهای افراد یک جامعه جهت سپری‌کردن یک زندگی مطلوب، شکل‌گیری بسترِ اقتصادی سالم و میدان رقابتی برابر، جهت ایجاد شرایط رشد و پویایی است. هرچند آزادی برگرفته از تفکرات نئولیبرال در زندگی اقتصادی امروز، حائز اهمیت فراوان است، اما این آزادی بایستی در گسترهٔ ایجاد فرصت‌های برابر، ترسیم گردیده تا منفعت عمومی، قربانی منفعت اشخاص و یا گروه‌هایی که منافع در تعارض با آن دارند، نگردد. لذا در این بحث، یک مناقشهٔ همیشگی میان حقوق و آزادی افراد و حریم خصوصی ایشان و در نقطهٔ مقابل منافع عمومی و سلامت اقتصاد برقرار است (ربیعی،۱۳۸۷: ۹۳).

به‌طور کلی، می‌توان هدف از مبارزه با فساد را جلوگیری از اتلاف منابع، افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی و ارتقاء سلامت و کارآمدی اداری تبیین نمود. اما مفهومی که بیشتر مغفول واقع شده، علت ایجاد فساد است. می‌توان گفت تأثیر سوء منافع شخصی و ثانویه بر انجام وظایف و اختیارات حرفه‌ای و قانونی، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بسترساز فساد محسوب می‌گردد. لذا شناسایی مفهوم تعارض منافع، به‌عنوان یک وضعیت زمینه‌ساز بروز انواع فساد، حائز اهمیت است.

در قانون اساسی ایران، به‌عنوان مهم‌ترین سند راهبردی در حوزه‌های مختلف، ازجمله اقتصاد، هیچ‌کدام از دو رویکرد نئولیبرال[1] و سوسیال‌دموکرات[2] که در بیشتر کشورهای جهان مشاهده می‌شود، حاکم نیست. نگاه مارکسیستی[3] نیز از این قاعده مستثنی نبوده است[4]. در واقع در مقدمهٔ قانون اساسی، اقتصاد به‌عنوان وسیلهٔ رسیدن بشر به سعادت و نه هدف وی، معرفی گردیده است. با این حال، واقعیت جهان امروز و جایگاه اقتصاد در آن، موجب بروز مداخله‌های گستردهٔ دولت‌ها، در حوزهٔ اقتصاد و در عرصه‌های تقنین، قضا و اجرا گردیده است. ویژگی مشترک تمام مداخله‌های

---

1. Neoliberalism
2. Social Democracy
3. Marxism

۴. نئولیبرالیسم: جنشی فکری و سیاسی است که به دنبال بازآفرینی لیبرالیسم در چارچوب سرمایه‌دارانهٔ قرن بیستمی می‌باشد. همراه با افول آفتاب عمر دولت‌های رفاه، نگرشی جدید پدید آمد که در عرصهٔ اقتصادی رجوع به نظام بازار آزاد را در نظر داشت و در حوزهٔ اجتماعی خوانشی محافظه‌کارانه از سرشت انسان. این نگرش را نئولیبرال‌ها برگزیده بودند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

سوسیال دموکرات: سوسیال دموکراسییک سیستم حکومتی است که ارزش‌های مشابه سوسیالیسم دارد، با این تفاوت که در چارچوب سرمایه‌داری می‌باشد (قادری حاتم، ۱۳۸۵: ۶۰).

مارکسیسم: نظریه‌ای سیاسی و اقتصادی است که در آن جامعه فاقد طبقه‌بندی اجتماعی بوده و هر فرد در جامعه برای منافع مشترک کار می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

صورت‌گرفته، مقطعی، ایدئولوژیک، سیاسی و غیرقاطع بودن آن‌ها است. مثال متواتر این مداخله‌ها، جرم‌انگاری و کیفرگذاری‌های بی‌ضابطه و فاقد پشتوانه در حوزهٔ اقتصاد می‌باشد.[۱]

هرچند هدف از جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع، مؤثرتر کردن اقدامات در پیشگیری از فساد می‌باشد، اما در این خصوص که خودِ وضعیت تعارض منافع در دستهٔ جرائم فساد قرار می‌گیرد یا صرفاً یک جرم اداری[۲] محسوب می‌شود، اختلاف‌نظر عمده وجود دارد. برخی بر این باورند که تعارض منافع در دستهٔ فساد قرار گرفته، چراکه شباهت‌هایی با ارتشاء دارد (Ilie, 2007: 127) و در نقطهٔ مقابل این دیدگاه وجود دارد که تعارض منافع نوعی خاص از سوء استفاده از موقعیت اداری محسوب شده و لذا در دستهٔ جرائم اداری قرار خواهد گرفت (Anderei, 2014: 64). ذکر این نکته ضروری است که از یک سو، تعارض منافع یک رفتار نبوده، بلکه یک وضعیت محسوب می‌گردد، حال آن‌که فساد برای وقوع نیازمند یک رفتار می‌باشد. در واقع ممکن است یک شخص در وضعیت تعارض منافع قرار بگیرد بدون این‌که فسادی رخ داده باشد. لذا هرچند هر فسادی در نتیجه وضعیت تعارض منافع رخ می‌دهد (پارسا، ۱۳۹۳: ۷۵)، اما نمی‌توان فساد و تعارض منافع را یکسان دانست. از سوی دیگر نظر به محدود نبودن رخداد تعارض منافع به محیط‌های اداری، دسته‌بندی آن در قالب جرائم اداری، دور از واقعیت می‌نماید.

در راستای جلب اعتماد عمومی به حکومت بایستی رعایت اصول بی‌طرفی، صداقت، شفافیت و برتری منافع عمومی به منفعت شخصی، در عملکرد مقامات عمومی مورد توجه قرار گیرد. لذا اهمیت مداخلهٔ کیفری در وضعیت تعارض منافع، در راستای تحقق این اصول امری ضروری به نظر می‌رسد. در مقابل، توجه به این نکته اساسی است که این مداخلات، نمی‌بایست به‌نحوی باشد که فعالان اقتصادی به دلیل ترس از انگ مجرمانه، دست از فعالیت اقتصادی بشویند و جامعه از فرصت استفاده از نیروهای متخصص محروم بماند.

در این مطالعه همچنین با بررسی مداخلات تقنینی و خلأهای موجود درخصوص وضعیت تعارض منافع، ضمن ارائهٔ برخی راهکارها جهت اصلاح متون قانونی، به چالش‌های پیش روی مقنن، در مواجهه با این وضعیت پرداخته شده است. بررسی و تحلیل گفتمان مقنن در وضعیت تعارض منافع در ایران نشان می‌دهد که با وجود اهمیت بالای این مفهوم در بخش عمومی[۳]، توجه به آن در مقررات مربوط به حقوق خصوصی، البته بدون استفاده از این عنوان، بیشتر بوده است. به‌طور مثال،

---

۱. در طول این تحقیق به متون قانونی متعدد که با این شیوه تصویب گردیده و دارای خلأهای فراوان می‌باشد اشاره شده است. این‌گونه اقدامات محدود به قوه مقننه نبوده و در دستگاه قضا نیز مداخلات هیجانی و بی‌پشتوانه‌ای در این حوزه صورت پذیرفته است. نمونهٔ بارز آن درخواست حکم حکومتی توسط ریاست وقت قوه قضاییه از مقام رهبری و ایجاد دادگاه‌های ویژه که تابع قانون جاری کشور نمی‌باشند و بسیاری از اصول دادرسی منصفانه را نقض نموده‌اند.

2. Crime of service

3. Public secter

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

می‌توان به مواردی درخصوص تعارض منافع داور (مواد ۴۶۹ و ۴۷۰ آیین دادرسی مدنی)، تعارض منافع شاهد (مواد ۱۳۱۳ قانون مدنی و ۳۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی)، تعارض منافع قیم (مواد ۱۲۳۶ تا ۱۲۴۵ و ماده ۱۲۴۸ قانون مدنی و مواد ۷۶، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۹۳ و ۹۴ قانون امور حسبی) و تعارض منافع مدیر شرکت تجاری (مواد ۱۲۹، ۱۳۲ و ۱۳۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) و موارد متعدد دیگر اشاره نمود.

۱. مبانی نظری مداخلهٔ کیفری در وضعیت تعارض منافع

تلقی حقوق کیفری به‌عنوان آیینهٔ تمام‌نمای ارزش‌های یک جامعه می‌تواند مبنای مداخلهٔ کیفری در حوزه‌های مختلف را ریل‌گذاری نماید (نوربها، ۱۳۸۸: ۴۶). قانون‌گذار به فراخور احساس نیاز به حمایت از ارزش‌های جامعه در حوزه‌های مختلف، ازجمله اقتصاد به‌عنوان یک ارزش، دست به جرم-انگاری می‌زند (روستایی، ۱۳۸۸: ۶). امروزه مداخلات کیفری منحصر در جرم‌انگاری و مجازات نبوده و مداخلات پیش‌گیرانه و آینده‌نگر را نیز شامل می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۹۲: ۲۵). بنابراین مداخلهٔ کیفری را می‌توان مجموعه اقدامات پیش‌گیرانه و سرکوب‌گرانه کنش‌گران نظام عدالت کیفری در مقابل یک رفتار یا وضعیت بیان نمود. به‌نظر می‌رسد در حوزهٔ تعارض منافع، باتوجه به ماهیت این وضعیت، ضرورت مداخله از هر دو نوع اقدامات مذکور، وجود دارد. برقراری تعامل میان پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری به وضعیت موصوف حائز اهمیت است. باتوجه به این‌که درخصوص تدابیر پیش‌گیرانه، پژوهش‌هایی صورت گرفته است (پرهیزکاری، ۱۳۹۶)، و بیشتر تمرکز ادبیات موجود در مدیریت تعارض منافع بر ساز و کارهای غیرکیفری بوده است. از این‌رو در این مطالعه سعی شده است با تمرکز بر ضرورت مداخله کیفری در معنای خاص آن یعنی جرم انگاری، وضعیت تعارض منافع به‌عنوان جرمی مانع مورد ارزیابی قرار گیرد.

ضرورت کنترل قدرت را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین مبنای نظری جهت ضرورت مداخله در وضعیت تعارض منافع دانست. نکتهٔ حائز اهمیت و توجیه انجام مطالعات این‌چنینی، عدم امکان مبرا نمودن جامعه از فساد به‌وسیلهٔ نصیحت‌کردن است؛ و لزوم وجود اقدامات مداخله‌ای در این‌گونه موارد امری بدیهی محسوب می‌گردد. در طراحی ساختار ادارهٔ هر حکومتی، بایستی به این نکته توجه داشت که تمام کارگزاران ظرفیت فساد داشته و قدرت از درون میل به مطلقه شدن و از بیرون میل به گسترش دارد. این ادعا که امروزه به‌عنوان فرضی پذیرفته‌شده در میان نظریه‌پردازان حوزهٔ فساد مورد توجه است، برگرفته از رویکرد جان امریک ادوارد دالبرگ- اکتون معروف به لرد اکتون[1] بوده است. وی این موضوع را این‌گونه بیان می‌نماید که قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق.

1. Lord Acton

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

مردان بزرگ همیشه مردان بدی هستند حتی زمانی که به جای اقتدار از نفوذ خود استفاده می‌کنند (سروش، ۱۳۸۱: ۳۵).

۱-۱. ضرورت و مبنای اصول حامی جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع

مداخلهٔ کیفری، به‌ویژه معنای خاص آن یعنی جرم‌انگاری، بر علوم زیرساختی همچون فلسفهٔ حقوق، فلسفهٔ سیاسی و علوم اجتماعی، متکی است. به عبارت دیگر، جرم‌انگاری مبتنی‌بر مبانی نظری مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی می‌باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۳: ۱۵۶). چنین است که در جوامع مختلف، یک رفتار گاه موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته و در جامعهٔ دیگر و یا حتی همان جامعه در دوره‌ای دیگر با اباحه‌گری مواجه شده است. با این وجود حکومت‌ها، در جرم‌انگاری آزادی مطلق نداشته و بایستی اصولی را جهت مشروعیت‌بخشی به جرم‌انگاری مورد توجه قرار دهند. در این قسمت امکان جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع از منظر اصول حامی جرم‌انگاری، مورد بررسی قرار گرفته است.

توجیه مداخلهٔ کیفری و جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع را بایستی با تمسک بر ادبیات نظری درخصوص لزوم جرم‌انگاری جرم مانع، جست‌وجو کرد. در توجیه شرعی این جرائم نیز می‌توان به مسائل اصولی از جمله "سد ذرایع"، "وجوب مقدمه واجب" و "حرمت مقدمه حرام" به‌عنوان مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری جرائم مانع اشاره نمود. همچنین "نهاد حسبه" را نیز به‌عنوان مبنای مهمی برای مداخله در جرائم مانع معرفی کرده‌اند (روستایی، ۱۳۹۷: ۵۳). در این مبنا، انتظام‌بخشی به جامعه و امور شهروندان و به‌طور کلی حفظ نظام، در قالب امور حسبی قرار می‌گیرند و گاهی این امور با جلوگیری از اسباب و مقدماتی که زمینهٔ ارتکاب جرائم بعدی را فراهم می‌کنند، محقق می‌شود و این همان‌جایی است که گرانی‌گاه ضرورت مداخلهٔ کیفری در جرائم مانع واقع شده است (روستایی، ۱۳۹۷: ۵۳). لذا می‌توان این‌گونه استدلال نمود که جرم‌انگاری تعارض منافع، جهت تضمین بی‌طرفی مقام عمومی در انجام وظایف خویش می‌باشد. جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع، هرچند شباهت‌هایی با جرائم فسادآمیز دارد، اما بایستی به‌عنوان یک جرم خدمات عمومی که خود مقدمهٔ فساد می‌باشد، مورد توجه قرار بگیرد.

۲-۱. اصول حامی جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع

۱-۲-۱. بررسی اصل ضرر[1] در وضعیت تعارض منافع

با وجود اصل ضرر، نیازی به سایر اصول در خصوص ضرورت جرم‌انگاری نمی‌باشد. به سخن دیگر مجرای جریان سایر مبانی جرم‌انگاری، با توقف اصل ضرر شروع شده و سایر اصول مکمل اصل

1. Harm principle

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

ضرر هستند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۲۰). از نظر مفهومی، ضرر را می‌توان با سه تعریف مختلف بررسی نمود. مفهوم گسترده، هر نوع عمل یا چیزی را که می‌تواند مشتمل بر ضرری باشد، در بر می‌گیرد. در مفهوم دوم، پس‌زدن، دفع و از میان بردن منافعی است که در شرایط عادی و قانونی برای فرد وجود دارد و او می‌تواند از آن استفاده کند. مفهوم سوم آن است که فردی نسبت به فرد دیگر خطایی مرتکب شده یا حق او را به‌طور ناعادلانه و بدون عذر نقض کرده است. این رفتار می‌تواند به ایراد ضرر به منافع منتهی شود و ممکن است به این نتیجه منجر نشود (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۸۴). جرم‌انگاری بر مبنای ضرر، تمام انواع ضرر را شامل می‌شود. در واقع آسیب وارده می‌تواند مادی، معنوی، مستقیم، غیرمستقیم، واقعی، محتمل و قابل پیش‌بینی باشد (Feinberg, 1984: 27).

۲-۲-۱. بررسی اصل سودرسانی به دیگران[1] در وضعیت تعارض منافع

فاینبرگ، اصل سودرسانی را این‌گونه تعریف می‌نماید: هنگامی‌که ممنوعیت رفتاری برای تولید و محقق کردن سود به افرادی غیر از عامل، ضروری باشد، برای ممنوع کردن آن رفتار دلیل مناسبی خواهیم داشت. طبق منطق اصل فایده‌گرایی، وظیفهٔ دولت عبارت است از به حداکثر رساندن منفعت و به حداقل رساندن آسیب (Feinberg, 1984: 189). براساس این منطق، یک دولت که مبتنی بر اصول فایده‌گرایی است، بایستی دو اصل محدودکنندهٔ آزادی را مورد استفاده قرار دهد.

۱- دولت باید ضرر را به حداقل برساند که این امر اصل ضرر را اقتضا می‌نماید.

۲- دولت باید سود را به حداکثر برساند که این امر اصل سودرسانی را اقتضا می‌نماید.

ذکر این نکته ضروری است که میزان آسیبی که مداخلهٔ دولت وارد می‌نماید، نباید از آسیبی که قصد جلوگیری از آن و یا منفعتی که قصد دست‌یابی به آن را دارد، فراتر گردد. به عبارت دیگر بایستی مداخلات با رعایت موازنه‌ای مبتنی‌بر اصل فایده‌گرایی صورت پذیرد. این موازنه را می‌توان در دو مرحله اجرا نمود (Feinberg, 1984: 170). مرحلهٔ اول، به حداقل رساندن ضرر و به حداکثر رساندن سود و مرحلهٔ دوم، موازنه بین آسیب ناشی از مداخلهٔ دولت، با آسیبی که وی در پی اجتناب از آن بوده و یا سودی که دولت در پی آن می‌باشد.

در وضعیت تعارض منافع، از یک سو، درصورت وقوع سوء استفاده از این وضعیت، فساد رخ داده و از دیگر سو، حتی اگر این سوء استفاده صورت نگیرد، مقامات عمومی در پرتگاه فساد قرار گرفته و بر سر دو راهی انتخاب منفعت عمومی و قربانی‌کردن منافع شخصی و یا ترجیح منافع شخصی و تلف کردن منفعت عمومی واقع شده‌اند.

1. Benefit to others

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

۳-۲-۱. بررسی اصل اخلاق‌گرایی[1] کیفری در وضعیت تعارض منافع

ضرورت مقابلهٔ کیفری با برخی اعمال در قلمرو اصول اخلاقی، فراتر از منع ایراد ضرر یا ایجاد مزاحمت برای دیگری، لزوم توجه به اصلی به نام اخلاق‌گرایی قانونی را آشکار می‌سازد (جلیلی تقویان، ۱۳۹۳: ۷۵). ضرورت مداخلهٔ کیفری و جرم انگاری در مواقعی که یک وضعیت یا رفتار، ذاتاً غیراخلاقی باشد، هرچند که موجب ایراد صدمه به کسی نشود، ضروری به نظر می‌رسد. لذا باتوجه به این‌که می‌توان وضعیت تعارض منافع را با فرض آگاهی شخص در معرض آن، وضعیتی غیراخلاقی دانست، توجیه جرم‌انگاری این وضعیت با استفاده از اصل اخلاق‌گرایی کیفری، امکان‌پذیر می‌باشد.

با توجه به مفهوم "حالت خطرناک"[2] در اندیشهٔ بنیان‌گذاران مکتب تحققی، به‌ویژه گاروفالو[3]، انحرافات زمینه‌ساز جرم نیز، مصادیق حالت خطرناک تلقی می‌شوند (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۴). لذا بایستی ساز و کار خاصی، جهت مقابله با این انحرافات اندیشیده شود. جرم‌انگاری جرائم مانع، ساز و کاری از این دست محسوب می‌گردد. از آن‌جا که یک رفتار یا وضعیت خطرناک ساده، ممکن است زمینه‌ساز ارتکاب جرائم بوده و خساراتی برای جامعه به همراه داشته باشد، هرچند آن خسارت‌ها فوری نباشند، بایستی مجرمانه تلقی گردیده تا با اعمال کیفر، حالت خطرناک فرد و زمینهٔ ایجاد آن در ابتدای امر برطرف گردد (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۶). ویژگی سرکوب‌گریِ ضمانت اجراهای کیفری، این امر را میسر می‌سازد.

تعارض منافع نیز همانند حمل سلاح، علی‌رغم عدم وجود خطر ظاهری، بستر نقض قانون محسوب می‌گردد. درواقع بی‌توجهی به وضعیت تعارض منافع، قرار دادن سلاح فساد در جیب مسئولان است، با این تفاوت که بزه‌دیدهٔ احتمالی تعارض منافع، تمام افراد جامعه خواهند بود. لذا این ادعا بدیهی است که، تعارض منافع به خودی خود زمینهٔ جرم‌انگاری را داشته و نیاز به تعلل درخصوص آن تا مواجهه با وقوع فساد نمی‌باشد. در واقع حمایت از منافع عمومی، که مبنا و فلسفهٔ اساسی مداخله‌های کیفری و حقوق جزا است، توجه این حوزه به تعارض منافع را توجیح می‌نماید. بنابراین شخصی که آگاهانه وضعیت تعارض منافع را ایجاد کرده، به اندازهٔ کافی مستحق مداخله‌های کیفری خواهد بود.

---

1. Moral principle
2. at risk
3. GAROFALO

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مفهوم تعارض منافع و مرز آن با فساد سنتی

در بررسی مفهوم تعارض منافع با سه مسأله‌ی مهم مواجه هستیم. اولین مسأله عدم وجود تعریفی دقیق درخصوص این مفهوم در ادبیات حقوقی می‌باشد، مسأله دوم گستردگی انواع مصادیق تعارض منافع و تطبیق این تعریف با انواع مشاغل حوزه بخش عمومی و سومین موضوع، مکان‌نگاری و ارتباط این وضعیت با سه بخش اخلاق حرفه‌ای، خطاهای انتظامی و حقوق کیفری است (Davids, 2008: 17). عناصر تشکیل‌دهندهٔ تعارض منافع عبارتند از منفعت، تعارض و قضاوت (تصمیم‌گیری). رابطهٔ وجود این عناصر در روابط افراد باعث ایجاد تعارض منافع می‌گردد. پیشینهٔ استفاده از این اصطلاح به کمتر از یک قرن قبل برمی‌گردد. در فهرست نشریات حقوقی[1] تا پیش از سال ۱۹۷۱ و در فرهنگ حقوقی بلک[2] تا پیش از ۱۹۷۹ این واژه وجود نداشته است. اولین مطالب و مباحثات علمی درخصوص این مفهوم نیز به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد (Stark,2004:17).

تعارض منافع یک وضعیت است که در آن شخصی که وظیفه‌ای عمومی برعهده دارد، منافعی شخصی و متعارض با وظیفهٔ مذکور داشته باشد. این‌که منفعت شخصی را ترجیح بدهد یا خیر، مرحله‌ای بعد از رخداد وضعیت مذکور بوده که جرائم مبتنی بر تعارض منافع را دربرمی‌گیرد.

۲-۲. مفهوم مقام عمومی

ایجاد وضعیت تعارض منافع با وجود یک کارمند عمومی[3] قابل تحقق است. کارمند عمومی، شخصی است که به‌طور دائم یا موقت با دریافت دستمزد یا بدون آن مشغول به اعمال قدرت یا انجام وظیفه ازجانب حاکمیت، در راستای ارائه خدمات عمومی در حوزهٔ قانونی، قضایی و اجرایی می‌باشد، اعم از آن‌که در بخش خصوصی مشغول باشد یا عمومی. لذا مشاغلی مثل حوزه‌های حقوقی، حسابداری، داروسازی، بانک‌های خصوی، شرکت‌های راه‌سازی، کارآگاهان خصوصی و... را شامل می‌شود (Andrei, 2014: 276).[4] جهت ایجاد وضعیت تعارض منافع، ضرورت دارد که این افراد در وضعیت موصوف دارای اختیار تصمیم‌گیری و یا اقدام باشند. ذکر این نکته ضروری است که وضعیت تعارض منافع ارتباط با خدمات عمومی داشته و محدود به مقامات رسمی نمی‌باشد. لذا مدیر یک

---

1. index of legal periodicals
2. black s law dictionary
3. Public servant

۴. این تعریف از مقام عمومی در رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۹/۱۷/۰۸ درخصوص بانک‌های خصوصی مورد پذیرش واقع شد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

کارخانه که فرزند خود را که شایستگی استخدام ندارد، نامزد استخدام در کارخانه می‌نماید نیز، در معرض تعارض منافع قرار گرفته است.

۳-۲. مفهوم منفعت

به موازات شناخت مفهوم تعارض منافع و مقام عمومی ضرورت دارد که مفهوم منفعت نیز از جهت وجود انواع مختلف آن، شناسایی و ارزیابی گردد. واژه Interest به هرگونه حق، امتیاز، قدرت یا مصونیت اشاره دارد (garner, 2009: 885). همان‌طور که مشخص است مفهوم منفعت منحصر در منافع مالی نمی‌باشد. برخی مطالعات سه نوع منفعت را به‌عنوان منافع در تعارض با وظیفه معرفی می‌نمایند (Macklin, 1983: 253). ۱- منافع شخصی مقام در معرض وضعیت، ۲- منافع سازمانی مقام در معرض وضعیت و ۳- منافع منطقه‌ای مقام در معرض وضعیت. نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که معنای واژه Interest تنها به مواردی که منفعتی عاید انسان شود، محدود نمی‌شود، بلکه موارد دفع ضرر را نیز در بر می‌گیرد. از همین رو در کشورهای عربی، به جای ترجمهٔ این واژه به منفعت، از لغت مصلحت و عبارت "تعارض المصالح" استفاده شده است. زیرا مصلحت در لغت به معنای جلب منفعت و دفع مضرت است (بادینی، ۱۳۹۹).

گاهی مصادیق این منافع، توسعه‌یافته و تا منافع سیاسی و اعتقادی نیز پیش می‌رود. به‌طور مثال در کدهای اخلاقی پلیس ویکتوریا (Victoria police 1998: 15)، تعارض منافع را زمانی متصور می‌دانند که افسر پلیس اجازه دهد اعتقادات انجمن‌هایی که در آن عضو هست و یا منافع شخصی او در انجام وظایف عمومی‌اش مداخله نماید.

٤-۲. مرز میان مفهوم فساد و تعارض منافع

تفاوت‌های مشخصی میان تعارض منافع و فساد در معنای سنتی وجود دارد. گیبونز استدلال می‌کند که در وضعیت تعارض منافع صرفاً یک مرتکب وجود دارد که درگیر انتخاب میان منافع شخصی و احساس تعهد به منافع عمومی شده است. شاید تفاوت عمده میان فساد سنتی و تعارض منافع این باشد که در تعارض منافع اغلب فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که درنتیجهٔ آن منافع عمومی را هزینهٔ منافع شخصی خود می‌نماید. در این وضعیت ضرورتی وجود ندارد که واقعاً فرد منافع خصوصی را ترجیح دهد. همین‌که در ظاهر وضعیتی فراهم گردد که فرد منافع خصوصی‌اش مقابل منافع عمومی قرار گرفته و مورد توجه باشد کافی است. بنابراین تعارض منافع یک منازعهٔ جدید ایجاد می‌کند چراکه صرفاً ظهور یک تعارض است که اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند، حال آن‌که فساد تجلی استفاده از این وضعیت به نفع خود، توسط مقام عمومی می‌باشد.

امروزه هرچند که در برخی حوزه‌ها، به جهت توسعه رسانه‌های آزاد از قبیل فضای مجازی آشکال آشکار فساد کاهش یافته، اما فساد خاکستری که ناشی از تعارض میان منافع شخصی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

وظایف عمومی می‌باشد، بسیار گسترش یافته است. نکتهٔ حائز اهمیت آن است که از یک سو این دسته از فسادها مانند فساد سنتی، به راحتی قابل قضاوت توسط جامعه نبوده و از دیگر سو، مقررات حوزه تعارض منافع از اشکال سنتی فساد نشأت گرفته‌اند. لذا مقررات موجود در این زمینه اغلب متناقض و نامتناسب بوده و نیازمند اصلاح و تجدیدنظر می‌باشند تا پایه‌ای جامع برای مقابله با اقدامات تعارض منافع ایجاد نمایند.[۱]

در این پژوهش تعریف عملیاتی از مفهوم تعارض منافع صرفاً منافع مستقیم یا غیرمستقیم مالی مقام در وضعیت تعارض منافع را شامل می‌گردد. لذا در یک تعریف عملیاتی تعارض منافع، حالتی است که شخصی مسئول حمایت از منافع شخص یا اشخاص دیگر می‌باشد. باتوجه به این‌که در مورد مسئولیت خود دارای منافع مستقیم یا غیرمستقیم مالی می‌باشد، این احتمال وجود دارد که قضاوت وی، انتخاب از میان چند تصمیم تحت تأثیر منفعت شخصی قرار گرفته و منافع شخص یا اشخاص دیگر را را نادیده بگیرد. نکتهٔ حائز اهمیت در تعارض منافع آن است که این وضعیت بایستی در نتیجهٔ یک اعتماد و یا پذیرش یک مقام عمومی به‌وجود آمده باشد، لذا در حالت معمول هیچ‌کس مسئولیت قانونی جهت حفظ منافع دیگری ندارد.

۳. ظرفیت‌های مداخله

به‌منظور شناسایی مطلوب ظرفیت‌های مداخله کیفری و به ویژه جرم‌انگاری، بایستی به عنوان مقدمه‌ای ضروری، گلوگاه‌های تعارض منافع شناسایی گردد. در ادبیات تعارض منافع، شش جایگاه عمده‌ی مستعد، در دو سطح سازمانی یا فردی قابل تشخیص هستند (مقدسی و کریمیان، ۱۳۹۸: ۷).

۱- جایگاه اختیار قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و تعیین استانداردها.
۲- جایگاه اختیار نظارت، ارزیابی، قضاوت و صحه‌گذاری.
۳- جایگاه اختیار ارائه مشورت.
۴- جایگاه اختیار انتخاب نیروی انسانی.
۵- جایگاه اختیار انجام معاملات.
۶- جایگاه اختیار ارائه مجوزها.

---

۱. به‌طور مثال در امریکا در پرونده‌ای علیه یکی از اعضای کنگره به جهت این‌که مبلغی بابت سخنرانی در مجلس دریافت کرده بود، محکومیتی صادر نشد، چراکه او تحت حمایت قانون سخنرانی آزاد که مقرر در قانون اساسی بود قرار گرفت. پس از آن دیوان عالی امریکا تصویب کرد که یک سناتور می‌تواند برای دریافت رشوه، جهت تأثیر بر رأی او در مجلس محاکمه گردد. دادگاه تصریح کرد که اصل سخنرانی آزاد صرفاً مربوط به زمانی است که فرد در حال انجام وظایف رسمی خود بوده و سخنرانی به انگیزه و در راستای آن صورت یافته باشد. تحقیق درخصوص اقدامات مقامات مختلف و بررسی انگیزهٔ ایشان درخصوص تصمیم‌سازی‌ها و اجرای تصمیمات می‌تواند اقدام مؤثری در جهت کنترل تعارض منافع باشد. این نکته حائز اهمیت است که پذیرش وعده نقض قانون است و نه صرفاً انجام وعده‌های غیرقانونی (Smith, 1976:45).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

به‌طور کلی هرجا یک مقام یا نهاد عمومی که نمایندهٔ منافع جمعی می‌باشد خود دارای منافع شخصی در همان حوزه باشد، وضعیت تعارض منافع ایجاد شده است. در این جایگاه‌ها به دو علت درونی و بیرونی، احتمال ایجاد وضعیت تعارض منافع وجود خواهد داشت. از یک‌سو در علل درون‌زا، افراد، سازمان‌ها یا مؤسسات، به دلایل شخصی و خارج از وظایف و مقررات کاری خود، درگیر تعارض منافع می‌گردند. دلایلی از قبیل اشتغال همزمان، انگیزه‌های سیاسی، منطقه‌ای و یا سلیقه‌ای، ارتباطات پساشغلی، ارتباطات خویشاوندی و سهامداری، می‌تواند در ایجاد وضعیت تعارض منافع مؤثر باشد (مقدسی و کریمیان، ۱۳۹۸: ۷). از سوی دیگر علل بیرونی که در اختیار و ارتباط با اشخاص نمی‌باشند، عبارتند از: اتحاد ناظر و منظور، اتحاد قاعده‌گذار و مجری، تعارض درآمدها و وظایف یک شخص یا سازمان و یا تعارض وظایف با یکدیگر.

٤. وضعیت تعارض منافع در نظام حقوقی ایران

تعدی به حقوق و آزادی افراد در مجازات‌های غیرموجه و نقض حق ایشان در مجازات‌های موجه، هر دو مساوی با مداخلهٔ دولت در حقوق افراد بوده و از این رو شکی در ضرورت توجیه مجازات باقی نمی‌گذارند. باتوجه به این‌که مداخلهٔ کیفری، خلاف حق بر مجازات‌نشدن افراد و علیه اصل برائت است، لذا مداخلهٔ کیفری بایستی توجیه گردیده و نیازمند دلایل مکفی می‌باشد (Douglas, 2010: 99). ملاحظاتی که نشان‌دهنده موجه‌بودن یک مجازات است، آن‌هایی است که نشان می‌دهد، حق مجازات نشدن، نقض شده نه این‌که مورد تعدی قرار گرفته است. در واقع توجیه مداخله کیفری، به منزلهٔ توجیه مداخلهٔ دولت در راستای نقض حق بر مجازات‌نشدن است تا تعدی به این حق (جانکی و روستایی، ۱۳۹۲: ۳۵). از طرفی توسل به حقوق جزا به‌عنوان آخرین حربه، اصلی مسلّم در حقوق جزا محسوب می‌گردد. این مهم از جرم‌انگاری‌های خالی از پشتوانه پیشگیری می‌نماید. با این وجود ضرورت مداخله در برخی از زمینه‌ها از جمله حوزهٔ تعارض منافع مشهود است. بی‌شک مداخلهٔ صحیح و دقیق از نفس مداخله اهمیت بیشتری دارد. بررسی مداخلات تقنینی موجود در وضعیت تعارض منافع و جرائم ناشی از آن، نشان‌دهنده این موضوع است که قوانین این حوزه نه‌تنها پراکنده و فاقد جامعیت بوده، بلکه یکی از مهم‌ترین اهداف مداخله را که پیشگیری از وقوع جرم است، محقق نمی‌نماید. حتی برخی از مداخلات مقنن، خود موجب ایجاد وضعیت تعارض منافع می‌گردد. اغلب مداخلات صورت‌گرفته در این خصوص مبهم بوده و بیش از آن‌که وضعیت تعارض منافع را مورد توجه قرار دهد به تقابل با نتیجهٔ تعارض منافع یعنی فساد پرداخته است. درخصوص مصادیق انگشت‌شمار جرم‌انگاری‌شده نیز، ضمانت اجرای مؤثری وجود ندارد. مقنن در ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد، قوه قضاییه را مکلف نموده که مقررات مربوط به فساد را ساماندهی و طی لایحه جامعی ارائه نماید. تکلیفی که با وجود گذشت زمان معتنی‌بهی از تصویب، اجابت نگردیده است. در ادامه موارد گفته‌شده به‌صورت مبسوط مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

۱-٤. عدم جامعیت قوانین موجود

مداخلهٔ کیفری زمانی‌که به‌عنوان آخرین راه‌حل، ضرورت وجودی می‌یابد، بایستی تمامی مصادیقی که مداخله در آن مقتضی می‌باشد را پوشش دهد. در عین‌حال از تفسیرهای سلیقه‌ای و ورود اغیار ممانعت نماید. درخصوص وضعیت تعارض منافع، هرچند قانون‌گذار به‌طور پراکنده و غیر منسجم مداخلاتی از جنس کیفری نموده است، اما می‌توان ادعا نمود که مداخله‌های موجود فاقد جامعیت بوده و یا در اغلب موارد از وضعیت تعارض منافع، صرف‌نظر نموده و به نتایج آن پرداخته است. مهم‌ترین خلأ قانونی موجود در این موضوع، مربوط به رویکرد مقنن به مقوله فساد بوده، به‌نحوی که در اغلب موارد، تعاریف سنتی از فساد لحاظ گردیده و مفهوم تعارض منافع به‌عنوان امری مستقل، تلقی نشده است. این درحالی است که با توجه به اولین ماده قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد، فساد نیازمند فعل یا ترک فعل متصور گردیده[۱] حال آن‌که تعارض منافع یک وضعیت بوده و نیازی به ارتکاب فعل مادی یا ترک فعل و یا حتی لزومی به تحقق ضرری بالفعل، جهت وقوع آن وجود ندارد (Margolis, 1979: 36).

در برخی از مصادیق، قانون‌گذار به وضعیت تعارض منافع به‌عنوان امری مستقل از مفهوم فساد توجه داشته است. البته در این موارد انگشت‌شمار نیز، این توجه به‌صورت جامع و مانع نبوده و همچنان امکان ایجاد وضعیت مذکور برای مقامات عمومی بدون ترس از مواجهه با عدالت کیفری وجود دارد. به‌طور مثال هرچند در قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، زمینه شفافیت و نتیجتاً کشف وضعیت تعارض منافع به‌وجود آمده است، اما این قانون دربرگیرندهٔ کلیهٔ مقامات نشده و مطابق تبصره ماده ۱۰ این قانون، درخصوص نهادهایی که مستقیماً زیر نظر رهبری اداره می‌شوند، با اجازهٔ ایشان امکان‌پذیر می‌باشد.[۲] لذا نهادهای متعددی با مادهٔ مذکور، از شمول مستقیم این قانون، خارج گردیده‌اند. همچنین در قانون رسیدگی به دارایی مسئولین، هرچند رهبری و نهادهای زیر نظر ایشان، استثنا نشده‌اند، اما باتوجه به دائمی‌بودن برخی سمت‌ها و از طرفی فقدان ضرورت اعلام اموال حین فعالیت، خلأ جدی مشهود است. این در حالی است که در قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، به‌عنوان اولین کنش مقنن پس از مشروطه در وضعیت تعارض منافع، و مطابق ماده ۱

---

۱. ر.ک. به قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد؛ فساد در این قانون "هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی وارد نماید" الی آخر

۲. استثناء مذکور در بند ب ماده ۲ قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نیز تکرار شده و نهادهای زیرنظر رهبری، با موافقت ایشان مشمول قانون گردیده‌اند. تبصره ۲ ماده ۲۵ این قانون نیز حاوی حکمی مشابه است. همین‌طور درخصوص قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در تبصره ۸ ماده ۲۵، افرادی که از جانب رهبری منصوب می‌گردند، از ممنوعیت قانونی اشتغال همزمان معاف می‌باشند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

آن؛ کلیه مأمورین به خدمات عمومی را شامل می‌شود. در برخی مواقع، عدم جامعیت، ناشی از ساختار حاکم در زمان تصویب قانون می‌باشد. به‌عنوان مثال در قانون منع مداخلهٔ وزرا، نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷ نامی از رییس جمهور برده نشده است و لذا وی مشمول این قانون و ممنوعیت حاصل از آن نمی‌گردد. در برخی مصادیق مداخله نیز، مقنن، استثنائاتی قائل شده است که می‌تواند افراد بسیاری را در وضعیت تعارض منافع جدی قرار دهد. در بند ۷ از ماده ۱ قانون اخیرالذکر، مقرر گردیده درصورتی‌که سهام فرد در شرکت کمتر از پنج درصد باشد، مشمول ممنوعیت این قانون نمی‌گردد. این در حالی است که در شرکت‌هایی با سهام ارزشمند، پنج درصد کل سهام نیز، مبلغ قابل توجهی بوده و نمی‌توان درخصوص آن تسامح نمود. از طرفی همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در تعارض منافع، منظور از منافع، می‌تواند هر نوع تأثیر بر وفاداری، احساسات یا دیگر ویژگی‌ها، به منظور تأثیر بر قضاوت فرد باشد (Carson,2004: 161). بنابراین نظر به این‌که منافع نزدیکان فرد نیز می‌تواند در تقابل با منفعت عمومی قرار گیرد، قانون‌گذار بایستی تمام مصادیق احتمالی را در نظر داشته باشد. این در حالی است که در قانون موصوف، ممنوعیت قانونی صرفاً مشمول اولاد بلافصل شده و لذا اولاد معالواسطه (نوادگان فرد) نیز مشمول این ممنوعیت قانونی نمی‌گردند. در قانون رسیدگی به دارایی مسئولان نیز خلأهای جدی درخصوص فرزندان وجود دارد. به‌عنوان مثال در ماده ۳ این قانون شرط اعلام دارایی، تحت تکفل بودن فرزند بوده است، حال آن‌که بیشتر تعارضات منافع و در واقع سوءاستفاده از موقعیت فرد برای فرزند، مربوط به فرزندان شاغل در مشاغل خصوصی می‌باشد (این مهم درخصوص مقامات اصل ۱۴۲ مورد توجه قرار گرفته و مطلق فرزندان ایشان را دربرگرفته است). آن‌چه که مطلقًا در این قانون به آن توجه نشده، اموال پدر و مادر شخص است که تحت هیچ شرایطی امکان بررسی آن، فراهم نگردیده است. البته این مهم نیز انکارناپذیر است که در مداخله در این حوزه، همواره تقابل حریم خصوصی افراد از یک سو و حفظ منافع عمومی از سوی دیگر، مشکل‌آفرین خواهد بود.

در خصوص وصف جامعیت قوانین مربوط به حوزه تعارض منافع، یکی از مهم‌ترین خلأها، سمت‌های غیررسمی و مشاوره‌ای می‌باشند. این مشاغل می‌توانند موجد تعارض منافع بسیاری باشند و حال آن‌که به‌کلی از نظر قانون‌گذار دور مانده‌اند. البته درخصوص ممنوعیت مداخله در معاملات دولتی به این مهم توجه شده و مشاوره‌های فنی و مالی و حتی حقوقی نیز توسط افراد در معرض تعارض منافع، ممنوع گردیده است. در این خصوص قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، مصوب ۱۳۷۳ نیز، با خلأ جدی مواجه است. چه این‌که ممنوعیت تصدی مربوط به بیش از یک شغل دولتی بوده و لذا افراد می‌توانند یک سمت دولتی با چندین شغل در بخش خصوصی را به‌طور همزمان اشغال کنند. از طرفی در قانون مورد اشاره، منظور از شغل، وظایف مستمر و مربوط به پست سازمانی بوده که بایستی به‌صورت تمام وقت باشند. لذا مشمول سمت‌های مشاوره‌ای که یکی از

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

بسترهای مهم ایجاد وضعیت تعارض منافع است، نمی‌گردد. در واقع می‌توان ادعا نمود که در این قانون، رویکرد مقنن، ایجاد ممنوعیت جهت عدم دریافت مزایای دو شغل دولتی توسط یک فرد بوده است و نه مدیریت تعارض منافع ناشی از اشتغال هم زمان[۱].

مقولهٔ رفیق‌بازی[۲] از مصادیق جدی ایجادکننده وضعیت تعارض منافع و در نتیجه آن وقوع فساد است که مورد توجه مقنن قرار نگرفته است. در تمام مصادیق محدود مداخلهٔ تقنینی در حوزه پیشگیری از تأثیر روابط بر وظیفه، نهایتاً بستگان سببی و نسبی موضوع توجه مقنن بوده‌اند. اما درخصوص مقولهٔ رفیق‌بازی که در بستر فرهنگی جامعه ایران امری رایج است، هیچ ساز و کار دقیق و یکپارچه‌ای در نظر گرفته نشده است. هر چند با بررسی گفتمان مقنن در برخی موارد مداخله تقنینی، به زحمت می‌توان توجه قانون‌گذار را به این مقوله پذیرفت. به‌طور مثال مطابق ماده ۲ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵، استفاده از نفوذ نزد مقامات حتی اگر بدون اخذ وجه یا مال باشد نیز، مشمول عنوان مجرمانه است. لذا گاهی مقامی به نفع روابط دوستانهٔ خود موضوع اعمال نفوذ قرار می‌گیرد که ممکن است وجه یا مالی از این جهت دریافت نکرده باشد اما منافع دوستانهٔ خود را به منفعت عمومی ترجیح دهد.

هرچند مداخلات تقنینی در مقابله با وضعیت تعارض منافع، ناکافی و فاقد وصف جامعیت است، اما از لحاظ نظارتی قانون‌گذار در ماده ۴۲ قانون دیوان محاسبات کشور (مصوب ۱۳۶۱)، به دیوان محاسبات اختیار عام و مطلق جهت نظارت داده است. لذا این مرجع می‌تواند در تمام امور مالی کشور تحقیق و تفحص نماید و در تمام موارد مستقیماً مکاتبه برقرار نماید و تمامی مقامات و مراجع نیز مکلف به پاسخگویی به ایشان می‌باشند. لذا این نهاد با قدرت نظارتی ناشی از این قانون، ظرفیت مناسبی جهت مداخله و کنترل وضعیت تعارض منافع را به‌دست آورده است. ضمن این‌که این نهاد برخلاف برخی نهادهای نظارتی مشابه که بودجهٔ آن‌ها توسط دولت مقرر می‌گردد و این خود محلی برای تعارض منافع و فراهم شدن پدیده تسخیر نهادی است[۳]، مطابق ماده ۹ قانون مذکور، بودجه خود را بدون مداخله مستقیم دولت و در ردیف بودجه مستقل دریافت نموده و لذا از منظر سازمانی تحت نظارت و سلطهٔ دولت نمی‌باشد.[۴]

---

۱. البته در برخی مقررات، مقنن ممنوعیت اشتغال در دو سمت را به جهت مدیریت تعارض منافع به رسمیت شناخته است. مثلاً در ماده ۱۵ قانون سر دفتران و دفتریاران، ایشان از اشتغال به تجارت و یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های تجاری منع شده‌اند. اصل ۱۴۱ قانون اساسی نیز دارای حکم مشابهی در این خصوص می‌باشد.

2. Nepotism

۳. agency capture تسخیر نهادی به پدیده‌ای اطلاق می‌گردد که نهاد ناظر یا تنظیم‌گر توسط نهاد منظور از لحاظ مالی تغذیه می‌گردد. لذا این امر امکان نظارتی مستقل را از این نهاد سلب می‌نماید.

۴. درنتیجهٔ فقدان جامعیت مقررات قانونی گاهی مواجه با جرم‌انگاری قضایی هستیم که مخالف تفکیک قوا می‌باشد. چنان‌که مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ دیوان عالی کشور، اشخاص شاغل در بانک‌های خصوصی را مأمور

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

۲-٤. قوانین جرم‌زا (ایجادکنندهٔ وضعیت تعارض منافع)

تبعیض در نظام قانون‌گذاری با عمومیت ندادن به مقررات، چه در عرصهٔ اعطاء مجوزها و چه در مقابله با وضعیت‌های جرم‌زا که در بخش جامعیت قانون به آن پرداخته شد، می‌تواند به دو صورت تبعیض عادلانه (جدایی‌گزینی جبرانی) و یا تبعیض ناروا، خودنمایی نماید. مصادیق تبعیض عادلانه در قانون مانند تبعیض درخصوص سالمندان و یا افراد ناتوان جسمی بوده که به آن تبعیض مثبت گفته می‌شود. اما بعضی مصادیق تبعیض در مقررات قانونی فاقد روایی عقلانی بوده و صرفاً ایجادکننده وضعیت تعارض منافع است. برخی اختیارات و شرایط و ساختارهای قانونی، به خودی خود، ایجادکنندهٔ وضعیت تعارض منافع هستند. به‌طور مثال همواره اختیار یک نماینده مجلس جهت سؤال از وزیر در راستای تحمیل ارادهٔ سیاسی و منطقه‌ای خود به او، محل مناقشه در راستای ایجاد وضعیت تعارض منافع می‌باشد. با استدلال مشابه، برخی مقررات در عرصهٔ اعطاء مجوزها، ظرفیت بالایی جهت ایجاد تعارض منافع دارد. به‌طور مثال اخذ مجوز تأسیس مرکز آموزشی غیردولتی، مشروط به داشتن شرط بازنشستگی از آموزش و پرورش بوده و یا تنها قضات بازنشسته، مجاز به اخذ مجوز تأسیس دفتر خدمات قضایی الکترونیکی می‌باشند. مواردی از این دست، نمونه‌های بارزی از پدیده درب‌گردان[۲۱] بوده که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و گسترش فساد گردد. درخصوص دفاتر پلیس +۱۰ نیز این مشکل وجود دارد. این رویکرد در قانون منع مداخلهٔ وزراء و نمایندگان مجلسین در معاملات دولتی نیز وجود داشته و در بند ۵ ماده ۱ این قانون، بازنشستگان از محدودیت مقرر مستثنا شده‌اند. این امر موجب ایجاد بستر تعارض منافع از مسیر پدیدهٔ درب‌گردان می‌باشد. درخصوص سمت‌های آموزشی، تقریباً تمام قوانین اشتغال در یک سمت آموزشی، به جهت ماهیت غیرانتفاعی آن استثنا گردیده است. حال آن‌که این سمت‌ها می‌توانند یکی از مهم‌ترین بسترهای ایجاد وضعیت تعارض منافع باشند. به‌طور مثال، پزشکی که عضو هیئت کارشناسی نظام پزشکی بوده و هم‌زمان مشغول به تحصیل جهت تکمیل دورهٔ تخصص خود در دانشگاه است، زمانی‌که با پروندهٔ استاد خود در نظام‌پزشکی مواجه می‌شود، دقیقاً در وضعیت تعارض منافع قرار گرفته است. حال آن‌که مطابق تبصره ۱ ماده واحده ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، سمت‌های آموزشی در دانشگاه و مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی از حکم این قانون مستثنی هستند. البته، بسیاری از مصادیق اشتغال هم‌زمان ممنوع گردیده است. به‌طور مثال مطابق بند ۲ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات، درصورت

به خدمت عمومی تلقی نموده تا مشمول عناوینی همچون ارتشا و اختلاس و جرم استفاده غیرمجاز از اموال عمومی ماده ۵۹۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی که منحصر بر کارمندان دولت است بشوند.

1. Revolving door

۲. منظور از درب گردان جابه‌جایی افراد میان بخش عمومی و بخش خصوصی است؛ این جابه‌جایی می‌تواند از بخش خصوصی به دولت باشد، یا از بخش دولتی به بخش خصوصی رخ دهد (اشتغال پسا دولتی) و در حالت خاص آن به‌طور هم-زمان رخ دهد. درب‌گردان یکی از مهمترین علت‌های ایجاد وضعیت تعارض منافع است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

اشتغال به مشاغل مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی یا مشاغل کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و به‌طور هم‌زمان اشتغال به فعالیت‌های تجاری، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۸ تا ۱۳ محکوم می‌گردند[۱].

۳-٤. پراکندگی قوانین مربوط به تعارض منافع

پراکندگی قوانین، معضلی جدی برای نظام عدالت کیفری بوده که نه‌تنها مقامات قضایی و اجرایی را سردرگم می‌نماید، بلکه در بسیاری از مواقع، مقنن نیز بدون درنظر داشتن یک مقرره موجود، درخصوص یک موضوع واحد، به تصویب مقررات متعدد و متناقض می‌پردازد. این امر موجب وقوع تورم کیفری می‌گردد. لذا برای آن‌که بتوان بخش مهمی از مقررات حوزهٔ فساد را مدنظر قرار داد، بایستی عناوین قانونی متعدد و بعضاً متناقضی را از نظر گذراند. پراکندگی قوانین کیفری باعث شده تا برخی از مقررات با وجود این‌که کارآمد بوده و حتی ویژگی جامعیت را نیز دارا هستند، مغفول واقع گردند و همچنین باعث مداخله‌های جزیره‌ای و اقدامات موازی توسط نهاد تقنین در موضوعات واحد گردیده است.

٤-٤. ابهام در مداخلات حوزهٔ تعارض منافع

اشاره گردید که درخصوص وضعیت تعارض منافع، می‌توان ادعا نمود که قوانین موجود در حوزهٔ فساد، ناکافی و ناکارآمد بوده و در مصادیقی که مداخله‌ای صورت پذیرفته نیز، نمی‌توان صفات یک قانون جامع و اثربخش را متصور بود. یکی از ویژگی‌های قانون خوب، واضح و صریح‌بودن متن آن قانون است، به نحوی که قابلیت تفسیرهای موسع و غیرمنطبق با ارادهٔ مقنن را نداشته باشد (عبداله‌زاده شهربابکی، ۱۳۹۹: ۷۵۷). به‌عنوان مثال، در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی، استفاده از الفاظی مبهم، جهت تعیین مصداق یک جرم اقتصادی، به چشم می‌خورد. این امر، موجب برخورد گزینشی و سلیقه‌ای در نظام قضایی گردیده است.[۲] گاهی نیز ممکن است مقنن با ارجاعات کلی در یک قانون، موجبات ایجاد ابهام را فراهم آورد. از آن نمونه می‌توان به ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به اطلاعات اشاره نمود. در این ماده، معیاری منطقی و ضابطه‌مند، جهت مشخص نمودن کیفیت این دسترسی، بیان نگردیده است. از سویی در ماده ۱۴ این قانون، درخواست دسترسی به اطلاعات

---

۱. ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران نیز دارای حکم مشابهی است.

۲. مطابق تبصره ۱ ماده ۲ این قانون از الفاظی مثل عمده، کلان و فراوان جهت تعیین مجازات استفاده شده است که تطبیق مصادیق خارجی با این عناوین بر عهدهٔ مقام قضایی می‌باشد. لذا ممکن است در عمل از نظر یک مقام قضایی قاچاق کالا به خارج از کشور حتی به اندازه یک ماشین، کلان محسوب شده و از نظر مقام قضایی دیگر واردات غیرمجاز هزاران خودرو کلان محسوب نگردد. در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مقنن با تعیین معیارهایی از جمله ارزش کالا و یا دفعات ارتکاب جرم، سعی در حل این مشکل در حوزهٔ جرائم مربوط به قاچاق نموده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

مذکور را، درصورت تعرض به حریم خصوصی اشخاص، غیرقابل رسیدگی دانسته و مردود می‌شمرد. نکتهٔ مبهم در این خصوص، عدم تعیین محدودهٔ حریم خصوصی و نتیجتاً عدم شفافیت و قابل بررسی بودن امور مالی، ازجمله حساب بانکی و یا مستقلات متعلق به مقام مربوطه می‌باشد. این در حالی است که اساساً تشخیص وضعیت تعارض منافع، با بررسی این موارد ممکن خواهد بود.

٤-٥. تمرکز مقنن در مقابله با فساد و رهایی وضعیت تعارض منافع

در بسیاری از مصادیق مداخله، قانون‌گذار، رویکرد برخورد با فساد داشته و در واقع پس از وقوع فساد ورود نموده و سپس درصدد مقابله با آن برمی‌آید. این در حالی است که ایجاد وضعیت تعارض منافع، خود به اندازهٔ کافی جدی بوده و نتیجتاً به‌تنهایی، ضرورت مداخله را توجیه می‌نماید. این‌گونه می‌توان ادعا نمود که در ادبیات تقابل با فساد، عدم توجه به وضعیت تعارض منافع، به منزلهٔ مبارزه با معلول و رها نمودن علت است. به‌عنوان مثال، در قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸، تبانی در معاملات دولتی، مادامی که منجر به تضرر دولت نگردد، جرم محسوب نخواهد شد. این رویکرد، هرچند ممکن است از منظر بیرونی حاشیهٔ امنی برای دولت ایجاد نماید، اما صرف ایجاد یک منفعت رقیب در کنار منفعت عمومی، موجب کاهش کیفیت عملکرد مأمور عمومی خواهد شد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). لذا شایسته است ایجاد منفعت رقیب و رخداد تبانی، مورد توجه مقنن قرار گیرد. به‌عنوان مثال دیگر از رها نمودن علت و مبارزه با معلول، در تقابل با فساد، می‌توان به ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵، ذیل فصل تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت، اشاره نمود. در این ماده هرچند مقنن از یک سو با مخاطب قرار دادن کلیه اعضا و کارکنان بخش عمومی، موجب ایجاد ویژگی جامعیت در این ماده گردیده است و از سوی دیگر، باتوجه به ایراد مجازات حتی در شرایط عدم انتفاع، یکی دیگر از ویژگی‌های مداخلهٔ مناسب در وضعیت تعارض منافع را پوشش می‌دهد، اما همچنان با فرض نهادن فعل یا ترک فعل، جهت وقوع جرم مذکور، مؤید تداوم نگاه سنتی مقنن به مقولهٔ فساد می‌باشد.[1] در مواد ۶۰۲ و ۶۰۳ قانون تعزیرات نیز مصادیقی از تقابل مقنن با عملکرد ناشی‌از وضعیت تعارض منافع صورت گرفته است. در این مداخلات نیز مقنن به تقابل با سوءاستفاده از وضعیت تعارض منافع پرداخته است و همچنان وضعیت تعارض منافع به‌طور مستقل موضوع مداخله نمی‌باشد. البته در مصادیق محدودی می‌توان رویکرد بازدارندگی و توجه به وضعیت تعارض منافع را تصدیق نمود. به‌طور مثال در قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵، صرف ادعای نفوذ، کافی بوده و مهم نیست که شخص واقعاً نیز نفوذ داشته باشد و یا

---

۱. البته در سالهای اخیر با توجه به گفتمان تعارض منافع مداخلاتی نه در سطح قانون بلکه در قالب مصوبات شورای اسلامی و یا آیین نامه‌های داخلی دولت در خصوص وضعیت تعارض منافع تصویب گردیده است که از آن جمله می‌توان به: مصوبه شورای شهر تهران در سال ۱۳۹۷ و همچنین مصوبه شورای شهر کرمان در سال ۱۴۰۰ در خصوص مدیریت وضعیت تعارض منافع اشاره نمود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

این‌که از این نفوذ بهره ببرد. به‌عنوان مثال چنان‌که فرزند یک نماینده مجلس در یک شرکت خصوصی عضویت یافته و وعده استفاده از نفوذ پدر خود در مجلس را بدهد، تنها همین وعده برای مؤاخذه ایشان مطابق این قانون، کافی خواهد بود. لذا ضرورتی به استفادهٔ عملی از نفوذ جهت تحقق عنصر مادی رفتار مجرمانه وجود ندارد.[۱]

٦-٤. ناکارآمدی مقررات و فقدان ضمانت‌اجراء متناسب

قانون به‌مثابه یک کالای عمومی، مهم‌ترین محصول حقوقی در جوامع دموکراتیک به شمار می‌آید. این محصول، در مقام مشروعیت‌بخشی به عملکرد نهادهای حکومتی و افراد جامعه است (الماسی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۵). کارآمدی، موجب بیشینه‌سازی در آثار قوانین می‌شود. (Posner, 1973: 123). قانون کارآمد، پویایی داشته و جریان‌ساز است و درنهایت به حداکثر شدن رفاه اجتماعی کمک می‌کند (وکیلیان، ۱۳۹۰: ۳۳). منظور از کارآمدی، بهینه‌گرایی در رفتارهای اجتماعی و ارائهٔ الگوهای صحیح تقنینی می‌باشد (الماسی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۵). از یک منظر، کارآمدی قانون در دو بستر کلی قابل بررسی می‌باشد. بستر نخست عبارت از آمرانه بودن، الزامی بودن، عام‌الشمول بودن و داشتن ضمانت اجراء معقول است که به آن کارآمدی اولیه (حقوقی) گفته می‌شود. و بستر دوم، معطوف به توجیه اقتصادی و اجتماعی داشتن قانون، پیشرو بودن، شفافیت و سلامت قانون می‌باشد که به آن کارآمدی تکمیلی گفته می‌شود (الماسی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۵). مداخلات تقنینی صورت‌گرفته در حوزهٔ تعارض منافع، بسیاری از ویژگی‌های مذکور را نداشته و درنتیجه می‌توان آن‌را فاقد کارآمدی لازم دانست.

وجود ضمانت‌اجراء متناسب، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های کارآمدی حقوقی یک قانون معرفی شده است. در ماده ۱۸ قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد، انجام هرگونه فعالیت اقتصادی، توسط نهادها و سازمان‌هایی که در وظایف و اختیارات قانونی ایشان، فعالیت اقتصادی پیش‌بینی نشده است، ممنوع می‌باشد. این مقرره هرچند مفید بوده و از ایجاد وضعیت تعارض منافع نیز جلوگیری می‌نماید، اما به‌جهت فقدان ضمانت اجرا، دارای کارآمدی لازم نمی‌باشد. در برخی موارد نیز با وجود ضمانت اجرایی، عدم تناسب مجازات با جرم به قدری مشهود است که می‌توان فقدان وجود ضمانت اجرایی را فرض نمود.[۲] مصداق مهم عدم وجود ضمانت اجرایی در مداخله‌های حوزهٔ تعارض منافع، قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران،

---

۱. ماده ۱ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی

۲. به‌عنوان مثال درقانون دسترسی آزاد به اطلاعات، مجازات‌هاازجزای نقدی سی هزارتومان شروع وحداکثر به مجازات ده میلیون تومان ختم می‌گردد که باتوجه به اهمیت کنش‌گران این قانون و البته موضوعات مورد جرم‌انگاری نمی‌تواند مجازات مناسبی تلقی گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

می‌باشد. در این قانون، با وجود درنظرگیری مجازات برای فاش اطلاعات دارایی مسئولان،[۱] جهت عدم اعلام دارایی‌ها، به‌عنوان یک وظیفهٔ قانونی، توسط مسئولین، مجازاتی لحاظ نگردیده است.[۲] در این قانون ویژگی دیگری نیز وجود دارد که موجب ناکارآمدی آن می‌گردد. انتشار لیست دارایی مسئولان، به اختیار رییس قوه قضاییه بوده و علاوه‌بر این‌که معیار رییس قوه جهت اعمال این اختیار، نامشخص است، یکی دیگر از شروط کارآمدی قانون، یعنی الزامی‌بودن آن سلب می‌گردد.

درخصوص کارآمدی تکمیلی، باتوجه به عدم درنظرگیری رویکرد هزینه- فایده (یزدیان جعفری، ۱۳۸۸: ۱۲۱) توسط مقنن در اکثر مداخلات تقنینی حوزهٔ تعارض منافع، بسیاری از مداخلات صورت‌گرفته یا تبدیل به مقرراتی با هزینه‌های اجرایی غیرمعقول گردیده و یا به قانونی متروک مبدل شده‌اند. یکی دیگر از مشخصه‌های کارآمدی تکمیلی قانون، برخورداری از شفافیت است. در این مورد نیز مداخلات موجود دارای شرط لازم کارآمدی نمی‌باشند.[۳]

ناکارآمدی قوانین حوزهٔ وضعیت تعارض منافع و همچنین پدیدهٔ فساد را می‌توان در عدم توجه به عواید ناشی‌از جرم نیز بررسی نمود. تقریباً در تمام مقررات این حوزه غیر از موارد استثنائی مانند قانون مبارزه با پول‌شویی، آنچه مورد توجه مقنن قرار گرفته است، مال موضوع جرم بوده و نه عواید حاصل از آن مال. حتی گاهی با رد مال فرد از معافیت‌های کیفر نیز بهره‌مند می‌شود.[۴] این در حالی است که از یک سو مال موضوع جرم برای مرتکب، دارای ارزش افزوده‌ای بوده که گاهی باتوجه به وضعیت تورم، چندین برابر ارزش اصل مال است و مقنن از این مهم غفلت نموده و از سوی دیگر این قانون، انگیزهٔ افراد در ارتکاب جرم را به دلیل امکان جلوگیری از مجازات پس از رد اصل مال، افزایش می‌دهد. این موضوع را در مصادیق متعدد دیگر مداخله در این حوزه از جمله ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵، نیز می‌توان مشاهده نمود. شاید علت این رویکرد متکی بر تعریف جرم در حقوق جزای سنتی باشد که در این دیدگاه کلاسیک اصولاً جرم را ارتکاب عمل زیان‌بار می‌داند. حال آن‌که در حقوق جزاء نوین، معیار، به‌ویژه در جرائم

---

۱. ماده ۵ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان وکارگزاران جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۴.

۲. مجازات ماده ۱۱۵ برنامه ششم توسعه نیز صرفاً مشمول مقامات ماده ۱ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران می‌باشد و سایر مسئولان را پوشش نمی‌دهد و عملاً فاقد ویژگی عام‌الشمول بودن، به‌عنوان یکی از مشخصه‌های کارآمدی قانون می‌باشد.

۳. به‌عنوان مثال مواد ۲ و ۱۴ قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، به دلیل عدم شفافیت و وجود ابهامات در تعیین استثنائات دسترسی (مربوطه به ماده ۲) و عدم تعیین حدود حریم خصوصی (مربوط به ماده ۱۴)، فاقد کارآمدی لازم می‌باشند.

۴. به‌طور مثال مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲، چنان‌چه فرد نظامی مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست، تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد کند، دادگاه او را از تمام یا بخشی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم تنزیل درجه را اجرا خواهد نمود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

اقتصادی تغییر کرده و به دست آوردن منفعتی که فرد مستحق آن نمی‌باشد نیز جرم‌انگاری شده است (مهرا، ۱۳۹۴: ۴۵).

۵. چالش‌های فراروی مقنن جهت مداخله در حوزهٔ تعارض منافع

ارائهٔ طرحی ثابت و فاقد انعطاف در حوزه علوم انسانی، به‌جهت بر هم‌کنش آن با انسان، به‌عنوان سیستمی هوشمند و پیچیده، امری دشوار است. جوامع از هیچ طرح ثابتی به‌وجود نیامده‌اند، بلکه از کنش‌های متقابل بین عامل‌هایی مثل سلول‌ها یا افراد ایجاد شده‌اند؛ یعنی کم و بیش از خودشان به‌وجود آمده‌اند (سیگفرید، ۱۳۹۸: ۵۲). وضع قوانین و یا اخذ تصمیماتی درخصوص رفتارهای افراد یک جامعه، به‌خصوص در مورد کنش‌گران حوزهٔ اقتصاد، به‌عنوان عقلانی‌ترین کنش‌گران حقوق کیفری، امری بسیار پیچیده و دشوار به‌نظر می‌رسد. با این‌حال نمی‌توان از مداخله صرف‌نظر نمود و بایستی با در نظر گرفتن حساسیت موجود و اصول متناسب با این حوزه مداخلاتی صورت پذیرد. بر همین اساس مداخله‌گری در حوزهٔ تعارض منافع نیز با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. ازجمله مهم‌ترین دغدغه‌ها جهت مداخله‌گری در وضعیت تعارض منافع، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۵-۱. تقابل میان بهره‌مندی از تخصص افراد و از بین بردن وضعیت تعارض منافع

چنان‌که در خصوص بسترهای ایجاد وضعیت تعارض منافع، این چالش وجود دارد که بسیاری از اشخاص دارای مهارت و تخصص در حوزه‌های مختلف، خود دارای کسب و کار خصوصی در آن حوزهٔ تخصصی بوده و باتوجه به پررونق بودن این کسب و کار، حاضر به کنار گذاشتن آن نمی‌باشند. از طرفی درصورت عدم استفاده از این افراد در جایگاه‌های عمومی، بسیاری از نقاط مثبت استفاده از این افراد از جامعه سلب شده است[۱].

۱. می‌توان مصادیق متعددی از این وضعیت را در سطح داخلی و البته در سایر کشورها مطرح نمود. به‌طور مثال در ایران یکی از مصادیق پرحاشیه مقامات عمومی دارای کسب و کار خصوصی که به‌صورت علنی فعالیت خود را در هر دو حوزه در مدت تصدی به سمت عمومی ادامه داد، وزیر بهداشت دولت یازدهم می‌باشد. وی همزمان با اشتغال در مقام عمومی، ریاست بیمارستان خصوصی و همچنین فعال در تجارت تجهیزات پزشکی بود. مهم‌ترین جلوهٔ این‌گونه افراد در خارج از ایران دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا که یکی از تجار مطرح این کشور نیز می‌باشد. البته لازم به ذکر است که در امریکا تدابیری ازجمله واگذاری مدیریت تجارت خصوصی به نهاد تراست کور، جهت مدیریت این وضعیت، اندیشیده شده است (پرهیزکاری، ۱۳۹۶).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

۲-۵. ایجاد توازن میان کنترل مؤثر تعارض منافع و حمایت از حریم خصوصی افراد

همواره دو اصل احترام به حریم خصوصی و حفظ نظم عمومی به‌عنوان ارزش‌هایی ضروری و غیرقابل انکار و در عین حال در تقابل با یکدیگر موضوع بحث‌های فلسفی و اجتماعی متعدد بوده است[۱]. در مدیریت وضعیت تعارض منافع، نکتهٔ مهم احراز این وضعیت است که نیازمند شفافیت مالی و دسترسی به جزئیات دارایی‌های مقامات عمومی و نزدیکان ایشان بوده و این امر می‌تواند حریم خصوصی ایشان را در معرض تعرض قرار دهد.

۳-۵. تعارض مداخلهٔ کیفری در وضعیت‌های تعارض منافع و توسعهٔ اقتصادی

درخصوص مداخلهٔ کیفری در حوزهٔ اقتصاد، همواره این دغدغه وجود داشته که کنش‌گران این حوزه به جهت ترس از درگیرشدن با نظام عدالت کیفری، دست از فعالیت اقتصادی شسته و گوشهٔ احتیاط گزینند (شهرام، ۱۳۸۶: ۱۳۱). لذا مقنن همواره با چالش میان ترجیح کنترل فساد از طریق مداخلهٔ کیفری و از بین رفتن زمینه فعالیت قدرتمند کنش‌گران اقتصادی که زمینه‌ساز توسعهٔ اقتصادی است، مواجه می‌باشد.

٤-۵. تعارض منافع مقنن در مداخله در وضعیت تعارض منافع[۲]

نهاد تقنین نقش مهمی را در ریل‌گذاری سیاست‌های پیشگیری و مقابله با فساد برعهده دارد. اما گاهی نهاد مجلس و یا نمایندگان به‌عنوان شخص حقیقی جهت مداخله در وضعیت تعارض منافع، خود دچار این وضعیت می‌شوند. لذا یک‌سو منفعت عمومی و تصویب مقررات مقابله با این وضعیت قرار گرفته و در نقطهٔ مقابل منافع شخصی، حزبی و یا منطقه‌ای ایشان که در عدم تصویب این مقررات می‌باشد. در این شرایط یا به کلی از تصویب چنین مقرراتی و مداخله در این حوزه صرف‌نظر کرده و یا حداقل در مقررات مصوبه، استثنائاتی قائل می‌شوند که از استحکام و روایی لازم قانون مصوب می‌کاهد.[۳]

۵-۵. نگرش ایدئولوژیک به مداخله‌گری در حوزهٔ اقتصاد

نقش پایگاه‌های قدرت از یک‌سو و نگرش ایدئولوژیک از سوی دیگر، در ایجاد چالش برای وضع مقررات و اجرای آن جهت تنظیم‌گری در حوزه تعارض منافع قابل انکار نیست. با پذیرش رویکرد

---

۱. برای مطالعه بیشتر درخصوص مفاهیم حوزهٔ عمومی و خصوصی و مداخلهٔ کیفری رجوع کنید به: نوبهار، ۱۳۸۷ و افشار، ۱۳۹۶.

2. Legislative coroption

۳. به‌طور مثال طرح مدیریت تعارض منافع از تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ در کمیسیون اجتماعی مجلس اعلام وصول گردیده، اما به دلایل نامعلومی همچنان پس از گذشت چند سال متروک و بلاتصویب باقی مانده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

ایدئولوژیک در ایران، پیچیدگی تعارض منافع به‌جهت مواجهه منافع عمومی با منافع اقتصادی ایدئولوژی حاکم، دو چندان می‌گردد[۱]. رویکرد تقدس‌بخشی به نهادهای حاکمیتی، باعث کاهش شفافیت در حوزهٔ تعارض منافع می‌گردد و رؤیت‌پذیری این وضعیت و آثار ناشی‌از آن را به حداقل ممکن می‌رساند[۲].

٦-۵. تعارض منافع اجتناب‌ناپذیر[۳]

گاهی اجتناب از وضعیت تعارض منافع غیرممکن می‌باشد. غیرقابل‌اجتناب بودن وضعیت تعارض منافع می‌تواند هم در تعارض منافع شخص‌محور[۴] و هم در تعارض منافع سازمان‌محور[۵] بروز و ظهور پیدا کند. در تعارض منافع، شخص‌محور، مهم‌ترین علت ایجاد، اضطرار است. چنان‌که ممکن است در شرایط اضطراری، ناچار به بهره‌گیری از شخص قرارگرفته در معرض تعارض منافع، بود. به‌عنوان مثال پلیسی که تنها فرد نظامی حاضر در محل وقوع جرمی است که همسرش مرتکب شده است. از یک طرف به علت وجود تعارض منافع، حق مداخله نداشته و از طرف دیگر، تکلیف قانونی به حفظ صحنه جرم و جلوگیری از فرار متهم دارد (Coleman, 2005: 25) درخصوص تعارض منافع سازمان‌محور می‌توان به ساختار یک سازمان، که خود، ایجادکنندهٔ وضعیت تعارض منافع اجتناب‌ناپذیر در آن سازمان می‌گردد، اشاره نمود. به‌طور مثال قوه قضاییه از پرونده‌ها هزینهٔ دادرسی

---

۱. با مراجعه به مقدمهٔ قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند راهبردی کشور، می‌توان جلوه‌هایی از رویکرد ایدئولوژیک به حکومت‌داری را به وضوح مشاهده نمود. چنان‌که ذیل عنوان شیوهٔ حکومت‌داری، هدف حکومت را حرکت به سوی الله ذکر نموده و در اندیشهٔ تشکیل امت واحد جهانی و نجات ملل محروم در تمام جهان است، وظیفهٔ حکومت را نه ادارهٔ امور دنیوی بلکه، رشد و تعالی معنوی بیان نموده است. لذا در همین راستا اقتصاد را به‌عنوان وسیلهٔ نیل به این آرمان‌ها دانسته و نه هدفی برای بهبود شرایط زندگی مردم.

۲. چنان‌که در بخش قبل اشاره گردید، بسیاری از نهادهای حاکمیتی با وجود اختیارات اجرایی گسترده، از مقررات نظارتی استثنا گردیده‌اند. توجیه وسیله برای رسیدن به آرمان‌ها، از ویژگی‌های جوامع ایدئولوژیک بوده که زمینه‌ساز فساد در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

3. Unavoidable conflict of interest

۴. در این حالت به علت برخی ویژگی‌های مربوط به شخص قرار گرفته در مناصب حاکمیتی (روابط خانوادگی، روابط سهامداری، اشتغال و...)، منافع شخص در تعارض با منافع حاکمیت و عموم مردم قرار می‌گیرد. از طرفی برخی تعارضات منافع مربوط به ساختار یک سازمان می‌باشد، به‌طور مثال مدیرانی که خود مسئول تعیین حقوق و دریافتی خود می‌باشند.

۵. این قسم تعارض منافع به‌جهت ویژگی‌های مرتبط با سازمان، مانند فعالیت شرکت‌های وابسته به سازمان یا خدماتی که سازمان ارائه می‌دهد منافع سازمان در تعارض با منافع حاکمیت قرار می‌گیرد. مصداق بارز آن موضوع ارزیابی‌ها می‌باشد. یا مثلاً درآمد پلیس که ناشی‌از تخلفات رانندگی است و لذا پلیس همواره در تعارض با تلاش برای کاهش‌دادن تخلفات یا استفاده از درآمد حاصل از جرائم خواهد بود. همین‌طور است درآمد ناشی‌از کشف قاچاق و وظیفهٔ پیشگیری از ارتکاب آن (پرهیزکاری، ۱۳۹۶).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

دریافت می‌کند و هم بودجهٔ قوه مذکور باتوجه به تعداد پرونده‌ها معین می‌گردد. همین‌طور است در راهنمایی و رانندگی و سازمان مبارزه با قاچاق کالا و یا مواد مخدر.

۷-۵. نبود مرز میان رفیق‌بازی و فساد و چالش فرهنگی پذیرش برخی مصادیق تعارض منافع به‌عنوان عرف رایج

با توجه به این‌که تعریف دقیقی از مفهوم رابطهٔ دوستانه نمی‌توان ارائه نمود و رفیق‌بازی به‌عنوان فرهنگ پذیرفته‌شده در میان بسیاری از مردم امری مذموم تلقی نمی‌گردد، لذا مداخلهٔ کیفری در بسیاری از مصادیق فساد که در آن فرد، فاقد نفع مستقیم مالی بوده و فساد رخ‌داده، مبتنی‌بر رابطهٔ دوستانه می‌باشد با چالش جدی مواجه است.

٦. الگوی مناسب برای مداخله در وضعیت تعارض منافع

جایابی صحیح نظام تقنین بر تنهٔ اجتماع و مداخلهٔ بااصالت و ریشه‌دار، منوط به جانمایی صحیح وضعیت تعارض منافع به‌عنوان هدف مداخله می‌باشد. علاوه‌بر آن درنظر داشتن رویکرد تطبیقی، با تأکید بر بومی‌گزینی تقنینی، موجب دست‌یابی به الگویی مناسب، جهت مداخله و جامعیت قانون منتج‌شده می‌گردد (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۹). در این بخش تلاش شده، با رویکرد جان استوارت میل[1] در کتاب رساله درباره آزادی (میل، ۱۳۹۵: ۴۳)، مقوله تعارض منافع جانمایی شده، تا از این مسیر، امکان مداخلهٔ کیفری در آن، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. درخصوص وضعیت تعارض منافع هرچند رویکردهای پیشگیرانه و غیرسرکوب‌گر دارای اهمیت و در اولویت می‌باشند؛ اما باتوجه به ماهیت این وضعیت و نتایج زیان‌بار آن و همچنین حالت خطرناک کنش‌گران این حوزه از نظر استعداد مجرمانه و قابلیت انطباق اجتماعی بالا (موسوی مجاب، ۱۳۸۳: ۶۱) به‌نظر می‌رسد نمی‌توان از مداخلهٔ کیفری در معناء خاص آن صرف‌نظر نمود. چه این‌که با پاسخ‌دهی مناسب به این وضعیت می‌توان پوست مقامات عمومی را در بازی آورد[2] و ایشان را نه‌تنها متوجه عواقب زیان‌بار تصمیمات خود بلکه شریک و متأثر از آن نمود.[3]

---

1. John Stuart Mill

۲."پوست در بازی" اصطلاحی است که توسط آقای نسیم نیکلاس طالب در کتابی با همین عنوان مورد استفاده قرار گرفته است. منظور ایشان از این اصطلاح آن است که اصولاً مقامات عمومی از نتیجهٔ تصمیمات و قضاوت‌های خود تأثیر مستقیم نمی‌پذیرند. لذا پوستی در بازی ندارند تا نگرانی بابت تصمیمات اشتباه خود داشته باشند. پوست در بازی داشتن را می‌توان راهکاری برای برقراری توازن میان اختیارات یک مقام عمومی و پاسخگویی عملی ایشان نسبت به آن اختیارات تلقی نمود (نیکلاس طالب، ۱۳۹۸)

۳. به‌طور مثال مسئولی که پیشنهاد استفاده از نوع خاص واکسن را می‌نماید که ممکن است خود یا اعضاء خانواده‌اش سهامدار کمپانی تولیدکنندهٔ آن واکسن باشند، بایستی خود و اعضاء خانواده‌اش پیش از دیگران ملزم به استفادهٔ علنی از آن واکسن باشند تا پوست در بازی داشته باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

۷. جانمایی[1] وضعیت تعارض منافع در حوزهٔ نظارت اجتماعی

میل با جانمایی (مکان‌نگاری) اقدامات افراد در دو سپهر حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، به امکان مداخله در کنش‌ها و وضعیت‌هایی که در حوزهٔ نظارت اجتماعی قرار می‌گیرند، می‌پردازد. مطابق نظریه وی، اگر اقدامی از فرد بالغ، سر بزند به‌نحوی که به کسی صدمه‌ای وارد نگردد یا تنها موجب ایراد خسارت به خود فرد شود، نبایستی در رفتار او دخالت نمود و این اقدام در گسترهٔ آزادی فردی و حریم خصوصی افراد جانمایی می‌گردد (میل، ۱۳۹۵: ۴۷). در مقابل اقداماتی که به دیگران صدمه زده یا دیگران را در معرض صدمه قرار می‌دهد، در حیطهٔ قضاوت جامعه قرار می‌گیرد (میل، ۱۳۹۵: ۴۷). اقدامات در حیطهٔ قضاوت جامعه، به دو روش تقبیح می‌شوند: ۱- اکراه افکار عمومی ۲- نیروی حقوقی. همان‌گونه که برداشت می‌شود، مهم‌ترین معیار سنجش میل برای قرار دادن رفتار یک شخص در حیطهٔ مداخلات حقوقی، وجود ضرر برای دیگران می‌باشد (میل، ۱۳۹۵: ۵۵). اصل ضرر هرچند مهم‌ترین و ضروری‌ترین اصل برای ارزیابی امکان مداخلهٔ کیفری تلقی می‌گردد، اما اصلی کافی به‌نظر نمی‌رسد. لذا بایستی اصل سودرسانی به دیگران نیز، در موازات اصل ضرر، مورد مداقه قرار بگیرد.

در برخی کشورها مقنن تعارض منافع را مستقلاً جرم‌انگاری نموده و در بعضی دیگر در قالب سایر عناوین مجرمانه تلاش بر مقابله با پدیدهٔ تعارض منافع نموده است. به‌طور مثال قانون‌گذار فرانسه تعارض منافع را به‌عنوان یک جرم اداری در نظر گرفته است (Andrei, 201: 27). در قانون رومانی نیز تعارض منافع ذیل فصل جرائم و تخلفات علیه ملت، دولت و نظم عمومی موضوع تقنین قرار گرفته است (Andrei, 2014: 32).

نتیجه

آسیب‌شناسی تقنینی با مفاهیمی ازجمله تراکم قوانین، ابهام در قانون، عدم جامعیت و پراکندگی متون قانونی گره خورده است. قوانینی که نه‌تنها پایبند به رسالت خود یعنی پیشگیری از وقوع جرم نبوده، بلکه جرم‌زا شده و تأثیر معکوس دارند. البته مداخلهٔ مؤثر در وضعیت تعارض منافع صرفاً در ارادهٔ مقنن نبوده و نیازمند دستگاه قضایی و اجرایی مستقل و قدرتمندی است که خود درگیر در تعارض منافع نباشند. لذا صرف مداخله‌های تقنینی در وضعیت تعارض منافع، موجب حرفه‌ای شدن و پیچیده‌تر شدن وضعیت‌های تعارض منافع گردیده و احتمال کشف آن‌را کاهش می‌دهد. خلأ قوانین مفید نیز به اندازهٔ وجود قوانین مخرب و هزینه‌ساز، در تشکیل بستر وضعیت تعارض منافع، مؤثر بوده‌اند. عدم تمرکزگرایی در قانون‌گذاری، پرهیز از تقدس‌گرایی و رویکردهای ایدئولوژیک در تقنین و رعایت اسلوب‌های قانون‌نویسی، ضرورت مداخلهٔ تقنینی مناسب و کارآمد می‌باشد. درصورت عدم

1. topography

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

توجه به مداخلهٔ دقیق و کارآمد تقنینی در حوزهٔ تعارض منافع، نمی‌توان وقوع مقابلهٔ مؤثری با پدیدهٔ فساد را انتظار داشت. فقدان قوانین مناسب در این حوزه عواقبی همچون مداخله‌های قضایی بی‌ضابطه و سلیقه‌ای و تعقیب‌های گزینشی را به‌دنبال دارد. این کمبود نه‌تنها موجب فراهم‌آوردن زمینه و بستر ارتکاب فساد توسط مقامات عمومی شده، بلکه مقامات قضایی نیز ناچار به توسل به رویه‌های بی‌ضابطه، جهت پر نمودن خلأ قانونی خواهند شد. لذا پیشنهاد می‌شود که با شناسایی دقیق ظرفیت‌های ایجاد وضعیت تعارض منافع، با روش‌های مختلف ازجمله جرم‌انگاری این وضعیت به‌عنوان جرمی مانع از فراهم‌آمدن بستر ایجاد فساد، جلوگیری به عمل آید.

در جرم‌انگاری وضعیت تعارض منافع، برخی معتقدند که می‌توان آن‌را در عناوین موجود کیفری، با تفسیر موسع از آن‌ها، دسته‌بندی نمود. به‌عنوان مثال درصورتی‌که کلاه‌برداری را در غیر معنای تکنیکال و دقیق آن در نظر بگیریم، فرد قرارگرفته در وضعیت تعارض منافع را می‌توان با این عنوان مجازات نمود[1]. براساس آن‌چه در این پژوهش بیان گردید به این دلیل که تعارض منافع یک رفتار و یک جرم مانع با رویکرد آینده‌نگر[2] بوده و نه جرمی ماهیتی با رویکرد گذشته‌نگر[3]، این دسته‌بندی مورد قبول نمی‌باشد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، لحاظ تفاوت در جرم‌انگاری وضعیت‌های تعارض منافعِ ایجادشده بدون اطلاع شخص با موارد آگاهانه می‌باشد. لذا در موارد ناآگاهانه می‌توان بیشتر از تدابیر کنشی بهره برد. وضعیت تعارض منافع را می‌توان جرم مطلق با سوءنیت خاص محسوب نمود و سوءنیت خاص آن را، قصد استفاده از موقعیت مذکور قلمداد نمود. رویکرد صحیح و سخت‌گیرانه درخصوص این وضعیت، تلقی آن به‌عنوان یک جرم، با مسئولیت مطلق می‌باشد. به این دلیل که اثبات قصد فرد در استفاده از وضعیت مذکور، عملی دشوار بوده و راه فرار از پذیرش مسئولیت توسط فرد متهم، امری سهل‌الوصول به‌نظر می‌رسد. لذا همین‌که ثابت شود فرد آگاهانه در وضعیت تعارض منافع قرار گرفته است، وجوب پاسخگویی وی از نظر کیفری را توجیه می‌نماید. البته در ترسیم الگویی مطلوب برای مداخله در وضعیت تعارض منافع همواره اولویت با مداخلات کنشی و پیشگیرانه بوده و راهکار کیفری همچنان به‌عنوان آخرین حربه بایستی مورد استفاده قرار گیرد. درخصوص الگوی مناسب مداخله در وضعیت تعارض منافع باید این موضوع را مدنظر داشت که از یکسو مداخله در تمام وضعیت‌های تعارض‌آمیز امکان‌پذیر نمی‌باشد، از طرفی حتی یک موقعیت تعارض منافع حل‌نشده می‌تواند منجر به سوءاستفاده از جایگاه حاکمیتی و درنتیجه خدشه به اعتماد مردم گردد (مرتب، ۱۳۹۹: ۲۹۲). لذا بایستی مشاغل و جایگاه‌های پر خطر را شناسایی نمود و مصادیق جزئی‌تری از رفتارهای ایشان را موضوع مداخله قرار داد. حوزه‌هایی نظیر: نقاط تعامل بخش خصوصی و دولتی، حوزهٔ تدارکات، بازرسی و تنظیم‌گری دولت و فرآیندهای عقد قراردادهای دولتی.

---

1. The issue of recriminalization of anti trust law—مقاله از کتاب دکتر فرجیها
2. Forward loking
3. Back ward loking

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

پیشنهادات:

* مداخلهٔ کیفری تقنینی در حوزهٔ تعارض منافع بایستی به این سمت حرکت نماید که به‌جای وصف‌گذاری اقدام به صورت‌سازی کیفری در خصوص اشکال مختلف این وضعیت بنماید. بدیهی است مداخله کیفری در قالب جرم انگاری بایستی با رعایت اصول حقوق جزا به ویژه اصل حقوق کیفری به عنوان آخرین حربه، صورت پذیرد.

* صورت‌سازی وضعیت تعارض منافع در بخش عمومی به‌عنوان یک وضعیت مجرمانه و جرمی مانع.

* بایستی ایجاد عالمانهٔ وضعیت تعارض منافع و یا عدم خروج عامدانه از آن به‌عنوان یک جرم مانع، موضوع مداخلهٔ کیفری قرار گیرد.

در قاعده‌گذاری برای وضعیت تعارض منافع موارد ذیل در نظر گرفته شود:*

* تعیین منافع عمومی و تمیز آن از منافع خصوصی

* تبیین ساز و کارهای اعلام منافع

* ایجاد قواعدی جهت اجتناب از موقعیت‌های تعارض منافع

* تعیین پاسخ‌های مناسب جهت نقض مقررات فوق

* در راستای پیشگیری از وضعیت‌های تعارض‌آمیز، باتوجه به پراکندگی قوانین بایستی گلوگاه‌های تعارض منافع شناسایی و از آن‌ها پیشگیری به‌عمل آمده و یا در راستای مدیریت آن تلاش صورت پذیرد. درصورت عدم امکان مدیریت، ضمانت‌اجراء مناسب با هر وضعیت در نظر گرفته شود.

* تدوین یک سند حقوقی مرجع که نحوهٔ مداخله در وضعیت تعارض منافع را ریل‌گذاری نماید.

* تمامی نهادهای ارائه‌دهنده خدمات عمومی موظف به شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع و تدوین آیین‌نامه‌های اختصاصی شوند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

فهرست منابع

الف. فارسی

افضلیان، مینا؛ شامبیاتی، هوشنگ؛ شاملو، باقر (۱۳۹۹)، "مبانی توجیهی ضرورت مداخلهٔ کیفری در حوزهٔ حقوق مالکانه افراد نسبت به اراضی کشاورزی"، **تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۴۳، صفحه ۸۹ تا ۱۱۰.

الماسی‌نجاد، علی؛ درگاه، بهنام (۱۳۹۰)، "بررسی اصول حاکم بر قوانین کارآمداز منظر تحلیل اقتصادی حقوق"، **حقوق خصوصی**، دوره هشتم، شماره دوم، صفحات ۵ تا ۲۴.

بادینی، حسن؛ سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۳۹۹)، "تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی"، **مجله حقوقی دادگستری**، انتشار آنلاین.

بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، **آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)**، تهران، نگاه معاصر.

بیگ‌زاده (۱۳۸۷)، **شیوه‌نامه نگارش قانون**، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر پژوهش‌های مجلس.

پارسا، مجتبی (۱۳۹۳)، "مقایسهٔ مفهوم تعارض منافع در متون غربی و اسلامی (فقه شیعه)"، اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۹، صفحه ۷۵.

پرهیزکاری، سید عباس؛ رزقی، ابوالفضل (۱۳۹۶)،: تعارض منافع ۲، راهکارهای پیشگیری و مدیریت، گزارش مجلس شورای اسلامی، مطالعات اقتصاد بخش عمومی.

پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، "بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران"، **علوم سیاسی –مجلس و راهبرد**، ۱۳۹۲، شماره ۷۵، صفحه ۲۵ تا ۵۲.

جلیلی تقویان، حانیه (۱۳۹۳)، **مبانی اخلاق‌گرایی قانونی و بازتعریف آن در نظام کیفری ایران**، پایان-نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ربیعی، علی (۱۳۸۷)، **زنده‌باد فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم**، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعهٔ علوم انسانی.

روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸)، "ارزیابی مداخلهٔ کیفری در حوزهٔ جرائم اقتصادی"، **نشریه کارآگاه**، سال دوم، شماره ۷، صفحه ۶ تا ۳۱.

روستایی، سجاد (۱۳۹۷)، "تبیین جرم مانع با تأکید بر امور حسبه"، **فصلنامه علمی‌پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی**، دوره ۴، شماره ۳، صفحه ۵۳ تا ۷۵.

ژرژ، پرادل (۱۳۸۱)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشرمیزان.

سروش، عبدالکریم (۱۳۸۱)، **بازتاب اندیشه**، شماره ۳۶.

سیگفرید، تام (۱۳۹۸)، **ریاضیات زیبا**، ترجمه مهدی صادقی، چاپ دهم، تهران: نشرنی.

لوک بچر، ژان؛ کلوز، نیکلا (۱۳۸۶)، **جرم اقتصادی و کنترل آن**، ترجمه ابراهیمی شهرام، حقوقی دادگستری، شماره ۶۱، صفحه ۱۳۱ تا ۱۴۸.

فرانکلین، ویلیامز؛ مک‌شین، مرلین؛ (۱۳۹۱)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

قادری، حاتم (۱۳۸۵)، **اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم**، تهران: انتشارات سمت.
عبداله‌زاده شهربابکی، آزاده (۱۳۹۹)، "روش‌های ارتقاء کیفیت قوانین"، **مطالعات حقوق عمومی**، دوره پنجاهم، شماره ۲، صفحه ۷۵۷ تا ۷۷۰.
گویس، ریموند (۱۳۹۶)، **خیر عمومی و خیر خصوصی**، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
لازرژ (۱۳۸۲)، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشرمیزان.
محمودی جانکی، فیروز؛ روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۲)، "توجیه مداخلهٔ کیفری، اصول و ضرورت‌ها"، **پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۳، صفحه ۳۵ تا ۶۶.
محمودی‌جانکی، فیروز، (۱۳۸۲)، **مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری**، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
مقدسی، فاطمه؛ کریمیان، جلال (۱۳۹۸)، "گلوگاه‌های تعارض منافع در نظام آموزش و پرورش ایران"، **گفتگو**، شماره ۸۱، صفحه از ۷ تا ۳۷.
میل، جان‌استوارت (۱۳۹۵)، **رساله درباره‌آزادی**، ترجمه جواد شیخ‌الاسلام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
مهرا، نسرین؛ حسنی، جعفر (۱۳۹۲)، "نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی"، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۴۵ تا ۶۹.
موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۳)، "بزهکاران یقه سفید"، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، دوره ۸، شماره ۳، صفحه ۶۱ تا ۸۳.
نجفی‌ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳)، "جرائم مانع (جرائم بازدارنده)"، **مدرس علوم انسانی**، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳۷.
نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، **حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی**، تهران: انتشارات جنگل.
نوربها، رضا (۱۳۸۸)، **زمینهٔ حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
نیکلاس طالب، نسیم (۱۳۹۸)، **پوست در بازی؛ عدم تقارن‌های پنهان زندگی روزمره**، ترجمه هادی بهمنی و سعید رمضانی، تهران: نشر نوین.
وکیلیان، حسن (۱۳۹۰)، "گفتارهایی در قانون وقانون‌گذاری"، تهران: مرکز نشر پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
یزدیان‌جعفری، جعفر (۱۳۸۷)،"تأملی بر نظام هزینه–فایده در حقوق کیفری"، **فقه و حقوق**، سال پنجم، شماره ۱۹، صفحه ۱۲۱ تا ۱۳۶.

ب. لاتین

Andrei, Lucian (2014), CONFLICT OF INTEREST OFFENCE- PUSCASU-LESIJ, NO. XXI, VOL. 1.
Beauchamp L.and Norman B.Bowie (Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, Inc., 1979), p. 36r.
Coleman, Stephen (2005), "When conflicts of interest are an unavoidable problem", **Australian Association for Professional and Applied Ethics 12th Annual Conference**, p.28–30.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]

Conflict of interest and self-dealing in the profesions: a review essay (2001), Thomas L carson, oxford.

Davids, Cindy (2008), "Conflict of Interest in Policing", Theinstitute of criminology, ISBN: 9780975196762.

Feinberg, J. (1984). "The moral limits of criminal law", **Harms to others**,Vol. 1, Oxford University, 27.

Garner, Brayan (2009), Black's Law Dictionary, 9th edition, West.

Husak. Douglas(2010), "over criminalization. The limit of the criminal law", Oxford University Press.

Ilie, Pascu et al. (2012), "Noul Cod penal comentat", Ed. Universul Juridic, Bucuresti. vol.11.

Joseph Margolis, "Conflict of Interest and Conflicting Interests", inEthical Theory and Business, ed. by Tom

MacklineTR (1983), Conflicts of interest. Ethical Theory and Business. T L Beauchamp and N E Bowie. Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall, 240-246.

Magureanuilie(2007), Conflictul de interetse, Claudia-Florina *Infracfiunile,* p.127.

Smith, Maynard (1976), "Evolution and the Theory of Games: In situations characterized by conflict of interest, the best strategy to adopt depends on what others are doing", American Scientist, Vol. 64, No. 1, p. 45-51.

Stark, Andrew (2004),"Conflicts of Interest and Self-Dealing in the Professions: A Review Essay", Reviewed Work: Conflict of Interest in the Professions by Michael Davis, Vol. 14, No. 1, pp. 161-182.

Victoria Police (1988)Annual Report 1987-88T Melborne, Victoria Police.

Posner, R (1973), **Economic Analysis of Law**, New York: Aspen publisher

FEDERAL CRIMINAL CONFLICT OF INTEREST)2004), jacquelynpinnell-american criminal law review.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.52547/qjal.9.31.10]